

## کارکرد سیاسی هیأت‌های مذهبی در ایران<sup>۱</sup> ( با تأکید بر دوران جمهوری اسلامی ایران )

مسعود درودی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این پژوهش سعی بر این است تا با نگاهی تاریخی - تحلیلی و در قالب روش ساختی - کارکردی به کارکرد سیاسی انواع هیأت‌های مذهبی در ایران (با تأکید بر دوران جمهوری اسلامی ایران) در کاهش و مهار بحران‌های سیاسی بپردازد. لذا با بررسی‌های صورت گرفته، می‌توان چندین نوع هیأت مذهبی را از یکدیگر و با معیارهای متفاوتی از یکدیگر بازشناساند و تفکیک کرد. اما اگر بخواهیم از منظر سیاسی به طور عام و کارکرد سیاسی به طور خاص به موضوع هیأت‌های مذهبی نظری افکنیم، بایستی آنها را در دو دسته کلی جای دهیم: هیأت‌های معتقد به اسلام

۱- این مقاله از طرح پژوهشی با عنوان «کارکرد و نقش هیأت‌های مذهبی در کاهش و مهار بحران‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی ایران» که به سفارش مرکز راهبردی شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۱ انجام شده بود، استخراج شده است.

e-mail:masouddarroudi@um.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران

عرفی (یعنی اعتقاد به جدایی دین از سیاست) و هیأت‌های معتقد به اسلام سیاسی (یعنی معتقد به پیوند دین و سیاست)؛ با این نگاه هیأت‌های مذهبی دسته اول فاقد کارکرد سیاسی هستند و در بحران‌ها و مسائل سیاسی نقشی منفعل و تبعی را ایفا می‌کنند. اما دسته دوم دارای کارکرد سیاسی هستند و سعی دارند بر فضای سیاسی تأثیر بگذارند. در این پژوهش به واسطه مؤلفه‌ها و نیز نگاه تاریخی، کارکرد سیاسی انواع هیأت‌های مذهبی در باب کاهش بحران‌های سیاسی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

**کلید واژها:** هیأت‌های مذهبی، کارکرد سیاسی، کاهش بحران‌های سیاسی، اسلام سیاسی، اسلام عرفی

## مقدمه

دین گرچه به صورت ایمان مذهبی مؤمنان تبلور می‌یابد؛ ولی این ایمان از قالب‌های شخصی و فردی فراتر رفته و چهره‌ای جمعی و گاه سازمانی می‌یابد. از همین رو، به غیر از کارکرد اصلی‌اش که به خود دین و ایمان مذهبی باز می‌گردد، کارکردهای دیگری نیز می‌یابد که منوط به شکل‌گیری گروه است؛ به بیانی دیگر، آن کارکردهای ثانوی، کارکردهای ارتباطات متقابل هستند که در قالب گروه‌های پایدار و نیمه‌پایدار شکل گرفته است. یکی از جلوه‌های نهاد دین، هیأت‌ها و جلسه‌های مذهبی است که از سوی معتقدان، برای انجام برخی از مناسک مذهبی برگزار می‌شود. در جامعه ما نیز این وجه در اشکال و قلمرو وسیعی خودنمایی می‌کند که هم تنوع و هم دامنه گسترده‌گی و حضور آن بازتولید ساخت اجتماعی دینی می‌باشد. هیأت‌های مذهبی به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی فرهنگ شیعی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی کشورمان محسوب می‌گردد. یکی از ویژگی‌های هیأت‌های مذهبی به‌عنوان مهم‌ترین کانون برای انجام مناسک عزاداری، آمیختگی آن با حیات اجتماعی- فرهنگی، سیاسی و اخلاقی مؤمنان است. از این رو، ابزار مهمی در جهت بازنمایی حیات مذهبی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی آنان نیز به شمار می‌آید.

این محافل و هیأت‌های مذهبی امروزه با بهره‌گیری و هدایت شبکه عظیم روحانیت و نیز علاقه‌مندان و طرفداران میلیونی امامان معصوم در جامعه ایرانی به یکی از نهادهای تأثیرگذار بر عرصه سیاست کشور مبدل شده‌اند. لذا در این پژوهش سعی خواهیم کرد تا به بررسی نقش و کارکرد سیاسی هیأت‌های

مذهبی در بحران‌ها و وقایع سیاسی (پس از انقلاب اسلامی) پردازیم. براین اساس، سؤال اصلی مقاله حاضر عبارت است از اینکه: هیأت‌های مذهبی در رابطه با بحران‌های سیاسی (پس از انقلاب اسلامی) دارای چه کارکردهای سیاسی هستند؟

### پیشینه موضوع

در باب پیشینه پژوهش در این باره باید گفت که نتیجه بررسی در باب آثار مدون در این زمینه نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه هیأت‌ها و محافل مذهبی در جامعه ایرانی از سابقه دیرپایی برخوردار هستند و نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی مردمی محسوب می‌شدند، به‌طور محسوسی در عرصه پژوهش‌های آکادمیک مغفول واقع شده‌اند. البته در سال‌های اخیر رویکردهای جدیدی به این قبیل موضوعات پیدا شده است، اما این آثار هم تنها تأمین‌کننده بستری برای کارهای بعدی هستند. مهم‌ترین کار و البته جدی‌تر اثری که در این زمینه موجود است کتاب *رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران* نوشته آقای محسن حسام‌مظاهری است. که این کتاب هم در باب توصیف و شناسایی کارکردهای مختلف هیأت‌های مذهبی نوشته شده است و هم به تاریخ‌تطور و تحول این نهاد اجتماعی پرداخته است. براین اساس، پژوهش حاضر از نوع تحلیل ثانویه می‌باشد و مبتنی بر داده‌های تاریخی - جامعه‌شناختی پژوهش مذکور است. همچنین امعان نظر در آثار دیگر پژوهشی در این زمینه چون مقاله «گونه‌شناسی هیأت‌های مذهبی زنانه در تهران» نیز که توسط دکتر ابراهیم فیاض و همکاران در *مجله نامه علوم اجتماعی* در سال ۱۳۸۸ به رشته تحریر درآمده است نیز تنها بر شناسایی و تمایز میان انواع مختلف هیأت‌های مذهبی زنانه تأکید داشته است (فیاض و دیگران ۱۳۸۸). باید اذعان داشت که با بررسی آثار مدون دیگر، پژوهش‌هایی که در باب هیأت‌های مذهبی زنانه صورت گرفته است به مراتب بیشتر و از این حیث از تنوع موضوعی بیشتری برخوردار است.

## چهارچوب نظری پژوهش

این پژوهش به لحاظ روش‌شناختی از الگوی نظری «کارکردگرایی» بهره برده است. در علم جامعه‌شناسی، مفهوم «کارکرد» با رابرت مرتون - جامعه‌شناس - گره خورده است؛ زیرا وی مهم‌ترین گام را در تبیین مفهوم کارکرد و تعریف آن برداشته است. به نظر وی، کارکردها عبارتند از «عملکردهایی که تطبیق یا سازگاری یک نظام اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازند». با این اوصاف انگیزه‌های فردی چندان در تعریف کارکرد هر ساختار یا نهاد دخیل نیست. مرتون با تعریف مفاهیمی مکمل تعریف کارکرد را جزئی‌تر و کامل‌تر می‌کند: کارکرد آشکار، کارکرد پنهان، کژکارکردها، پیامدهای پیش‌بینی نشده (نتایج ناخواسته) و بی‌کارکرد. به اعتقاد او هر نهاد یا ساختار اجتماعی به طور کلی می‌تواند دو نوع کارکرد داشته باشد: کارکردهای آشکار: آن کارکردهایی که با قصد قبلی صورت می‌گیرد. حال آنکه کارکردهای پنهان بدون قصد قبلی اجرا می‌شود (ریتزر ۱۳۸۰: ۱۴۷). نباید از نظر دور داشت که همه کارکردهای یک نهاد، الزاماً برای ابقای جامعه نیست و حتی ممکن است نقشی خلاف آن هم بازی کند؛ می‌توان این دسته از کارکردها را اصطلاحاً «کژکارکرد» نامید. یعنی درست همچنان که ساختار یا نهادها می‌توانند به حفظ بخش‌های دیگر نظام اجتماعی کمک کنند، می‌توانند برای آنها پیامدهای منفی داشته باشند (ریتزر ۱۳۸۰: ۱۴۷) وی همچنین مفهوم بی‌کارکرد را به عنوان عملکردهایی مطرح کرد که از یک نظام درد را دوا نمی‌کنند (ریتزر ۱۳۸۰: ۱۴۷). بنابراین بر همین پایه همان‌گونه که ذکر گردید اساساً پیدایش و تکوین آیین‌ها و مجالس سوگواری همواره تابع متغیرهای بیرونی و اجتماعی بوده است. تبلور اصلی این متغیرها را هم باید در بررسی کارکردها (اعم از آشکار و پنهان) دانست که جامعه و دینداران متناظر هر گونه، از شکل دهی آن منظور داشته‌اند. به عبارت دیگر، هیچ تغییر و تحولی را نمی‌توان در سیر حیات این آیین‌ها و مجالس بدون کارکرد و نقش دانست. به همین دلیل، با شناخت کارکردهای یک‌گونه هیأت مذهبی می‌توان به قطعه‌ای از پازل شناخت هویت آن‌گونه دست یافت. و این نیازمند بینش و تحلیلی جامعه‌شناختی است. اما فارغ از کارکردهای خاص و منحصر به فرد گونه‌های مختلف، برای جمله آیین‌ها و مجالس سوگواری شیعیان می‌توان مجموعه‌ای مشترک از کارکردها را در نظر گرفت. با توجه به تقسیم‌بندی مرتون، این کارکردهای مشترک را می‌توان در دو دسته آشکار و پنهان بررسی نمود:

## الف) کارکردهای آشکار

- نقش آفرینی سیاسی

- اسوه سازی

- تقویت باورهای دینی

## ب) کارکردهای پنهان

- تقویت همبستگی اجتماعی

- تثبیت نظام اخلاقی

- حفظ الگوی جامعه

- کارکرد فراغتی

- تسکین آلام و تخدیر مصائب فردی و اجتماعی (ریتزر ۱۳۸۰: ۱۵۱).

بر همین اساس، در پژوهش حاضر تمرکز بر کارکردهای آشکار هیأت‌های مذهبی به طور عام و بر «نقش آفرینی سیاسی» به طور خاص می‌باشد.

## گونه‌شناسی هیأت‌های مذهبی و واکاوی کارکردهای آشکار آنها

در این بخش از پژوهش بر اساس الگوی «ساختی - کارکردی» به گونه‌شناسی هیأت‌های مذهبی خواهیم پرداخت. طبق این الگو، تمام مجامع و مجالسی که در نیم قرن اخیر در جامعه ایران و به نام هیأت مذهبی بر گزار شده است و برگزار می‌شود را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود:

- هیأت‌های سنتی: سنتی تام / سنتی امروزی

- هیأت‌های انقلابی: انقلابی اولیه / انقلابی دوران جنگ / انقلابی دوران پس از جنگ (صلح)

- هیأت‌های عامه‌پسند: عمومی / خصوصی / عامه‌پسند انقلابی (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۳۱۴).

به این مجموعه البته باید یک گونه فرعی و مجزای دیگر را هم افزود: «شبه هیأت‌ها». در یک دسته‌بندی کلی‌تر و ثانوی، مجموعه این سه دسته را هم می‌توان به دو دسته هیأت‌های سنتی و هیأت‌های امروزی تقسیم کرد. هیأت‌های امروزی هیأت‌هایی هستند که به تبع گذار از زندگی سنتی به مدرن و در تناسب با اقتضائات و ویژگی‌های جامعه‌ی امروزی شکل یافته‌اند و بنابراین معاصرند.

باین حساب، هیأت‌های سنتی امروزی، مجموعه هیأت‌های انقلابی، مجموعه هیأت‌های عامه‌پسند و نیز شبه‌هیأت‌ها در زمره هیأت‌های امروزی محسوب می‌شوند. از آنجایی که تمرکز اصلی این پژوهش بر دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی است، بخش بعدی به چهار گونه‌ای اختصاص یافته است که در این مقطع، عمومیت و گستردگی بیشتری داشتند: هیأت‌های سنتی، انقلابی دوران جنگ، انقلابی پس از جنگ و عامه‌پسند. لازم به ذکر است که این تقسیم‌بندی از کتاب *رسانه شیعه* نوشته محسن حسام‌مظاهری اقتباس گردیده است اگرچه که در تفاوت با پژوهش ایشان، تأکید اصلی ما بر روی کارکردهای سیاسی این هیأت‌ها در مهار بحران‌های سیاسی است.

در این بخش به طور جداگانه به بررسی ویژگی‌های هر یک از هیأت‌های مذهبی مذکور می‌پردازیم و این امر را در باب هر یک از این هیأت‌ها بررسی می‌کنیم که چه رویکردی را می‌توانند در مقابل با بحران سیاسی از خود نشان دهند؟ به عبارت دقیق‌تر، کارکرد سیاسی هر یک از این هیأت‌ها در برخورد با یک بحران سیاسی چه می‌تواند باشد؟

## هیأت‌های سنتی

هیأت‌های سنتی، بی‌گمان دیرپاترین گونه هیأت‌های مذهبی محسوب می‌شود. نخستین نمونه‌های شکل یافته هیأت‌های سنتی را می‌توان در عزاداری دوران قاجار خصوصاً، از عهد ناصری به بعد دید. هیأت‌های سنتی پدیده‌ای است محصول و برخاسته از جامعه سنتی و متناسب با اقتضائات و مناسبات اجتماعی - فرهنگی همان جامعه، درست به همین دلیل است که در ساختار این هیأت‌ها با بازتولید مناسبات و ساختار جامعه سنتی روبرو می‌شویم. در این هیأت‌ها، ارجاع به گذشته و عمل گذشتگان و نیاکان هیأت ارزش محسوب شده و معمولاً، نوآوری و ایجاد تحولات و تغییرات بنیانی در ساختار هیأت مردود شناخته می‌شود. هیأت‌های سنتی را می‌توان به دو گونه «هیأت‌های سنتی تام» و «هیأت‌های سنتی امروزی» تقسیم کرد. منظور از هیأت‌های سنتی تام، گونه غالب و مشهور هیأت‌های سنتی است که عموماً سابقه و قدمتشان به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی می‌رسد. این هیأت‌ها نمونه آرمانی و تام هیأت‌های سنتی محسوب می‌شود. اما هیأت‌های سنتی امروزی - که چنانکه از نامشان هویدا است واجد نوعی تناقض هستند - گونه‌ای نوپدید است که در سال‌های اخیر شواهدی از شکل‌گیری نمونه‌هایی از آن نمایان شده است (حسام مظاهری ۱۳۸۹: ۳۲۱-۳۱۹). هیأت‌های مذهبی و

خصوصاً هیأت‌های سنتی را می‌توان نهادی اجتماعی با کارکرد دینی دانست. در مفهوم جامعه‌شناختی، نهاد به معنای شکل رایجی از کردارهای همگن و هماهنگ است که برای اعمال کنترل اجتماعی و ارضای نیازهای اساسی از آن استفاده می‌شود (بیرو ۱۳۷۵: ۱۸۱). هیأت‌های سنتی مانند هر نهاد اجتماعی دیگر هنجارهایی اجباری برای جمع و اعضای خود دارد که حمایت کلی جامعه را در پی دارد و به رسمیت شناخته شده است. آنها همچنین از اهدافی روشن پیروی می‌کنند که ثابت و مشخص‌اند و بنابراین، از تغییرات نسلی تأثیر نمی‌پذیرند. هیأت‌های سنتی هنجارها، ارزش‌ها و آداب و قوانین معینی دارند که مجموعاً، یک نظام واحد را تشکیل می‌دهند. نظامی که به‌رغم برخورداری از انعطاف نسبی در برابر برخی نوآوری‌ها، همواره واجد صورتی از وحدت، انسجام و تعادل است. هیأت‌های سنتی، دقیقاً مشابه دیگر نهادهای سنتی، نهادی جمعی محسوب می‌شود. نهادی که در آن عامل فردی به نفع جمع خود را کنار کشیده است. نتیجه آنکه وقتی ناظر بیرونی به یک هیأت سنتی می‌نگرد، آنچه می‌بیند، جمعی متحد، منسجم و دارای اهداف مشخصی است که افراد در آن، هر کدام در جای خود انجام وظیفه می‌کنند و هر کس در پی آن است که به بهترین نحو تکلیفی را عملی سازد که بر عهده‌اش گذارده شده است (حسام مظاهری ۱۳۸۹: ۳۲۲).

هیأت‌های سنتی متعلق و نماینده‌ی تام نوعی الگوی دینداری و گرایش و قرائتی مشخص از دین‌اند که معمولاً، به‌نام الگوی اسلام سنتی می‌شناسیم. الگویی که در بین عامه مردم بیش از دیگر الگوها رایج است و ارتباط وثیقی با الگوی دینداری عامه دارد. در عین حال، این الگو را باید دیرپاترین و فربه‌ترین الگوی دینداری محسوب کرد. در الگوی اسلام سنتی، بر منفک بودن مقوله دین از حکومت و سیاست تأکید می‌شود و تمرکز بیشتر بر حوزه عبادی و فردی دین است. اسلام سنتی اسلامی است که داعیه آبادانی دنیا را ندارد و برای فلاح و رستگاری اخروی اصالتی مستقل قائل است. پرداخت این الگو به مفاهیم دین کاربردی است. از این رو، در آن «فقه» اهمیت وافری می‌یابد (حسام مظاهری ۱۳۸۹: ۳۲۵) و پایبندی به مناسک و آداب شریعت ارزش محسوب می‌شود. منبع اعتبار در اسلام سنتی بیرون از فرد است. کمتر داعیه افناع عقلی و استدلالی دارد و البته مخاطب هم البته چنین انتظاری از آن ندارد. این است که دیندار باید اعتماد کند، به گذشتگان و نیاکان، به فلان روحانی و به فلان مرد خدا. چنین است که «نقل» مهم است و راهگشا. شخصیت‌های دینی در اسلام

سنتی، تأثیری منحصر به فرد دارند و بیشتر به منزله اسطوره‌های فرابشری و فرازمینی تصویر می‌شوند. این دینداری را چندان سرستیز و مبارزه‌جویی نیست. تلاش می‌کند همواره صلح باقی بماند و به جای تمایزات بر اشتراکات تکیه کند. به همین دلیل، موضع تهاجمی در قبال الگوهای موازی و رقیب ندارد و در مقابل، ظرفیت چشمگیری در پذیرش و هضم آنها در خود نشان می‌دهد. اصلی‌ترین رقیب اسلام سنتی، الگوی اسلام سیاسی است که آن را همواره به قشری و مرتجع بودن و عوام‌زدگی متهم می‌کند. منظور از اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلامی به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین، اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به شمار آورد که گرد مفهوم مرکزی «حکومت اسلامی» نظم یافته است. این گفتمان بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است که اسلام از نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه بر وحی، از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسانی، برتر است (حسینی‌زاده ۱۳۸۶: ۱۷).

به هر ترتیب، در یک جمع‌بندی باید گفت که ویژگی‌ها و مختصات هیأت‌های سنتی که در قالب اسلام سنتی جای می‌گیرند به این شرح است: بر تفکیک دیانت از سیاست تأکید دارد؛ مناسکی است؛ رویکردش بیشتر فردی است تا اجتماعی؛ آخرت‌گراست؛ اسطوره‌گراست؛ نقلی است (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۳۲۶). براساس این مختصات و در راستای موضوع موردنظر این پژوهش (کارکرد سیاسی هیأت‌های مذهبی) دو ویژگی این گونه از هیأت‌ها یعنی تفکیک دین از سیاست و تأکید بر رویکرد فردی به جای رویکردی اجتماعی بررسی می‌گردد.

### تأکید بر تفکیک دیانت از سیاست

گرایش دینی رایج و عمومی در هیأت‌های مذهبی سنتی مبتنی بر همان کلیشه معروف است که: «سیاست، آلودکننده دین است». اصولاً هر مسئله امروزی و مربوط به جامعه و زندگی امروز را با این پیش‌فرض که زندگی و جامعه امروزه مطلوب نیست و آلوده است، نباید با وقایع تاریخی و شخصیت‌های مقدس و دست‌نیافتنی مرتبط کرد رد می‌کند. هیأت‌های سنتی و اعضای آنها با حسینی طرف هستند که «بود» و در ظهر ۱۰ محرم ۶۱ قمری کشته شده و نه با مثلاً حسین زمان و امثال آن. و فقط حاضرند یزید و شمر صدر اسلام را تا ابد لعن و نفرین کنند، نه نمونه‌های مشابه امروزی آنها را؛



اگر بپذیریم که وجود دارند. روشن است که هیأت‌های منسوب به «انجمن حجّیه» و نمونه‌های مشابه آن هم در این دسته قرار می‌گیرند (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۳۲۷-۳۲۵). به دلیل همین شاخصه است که هیأت‌های سنتی را انقلابی‌ها به متحجران، واپس‌گرایان، مقدس‌نمایان و معتقدان به اسلام شاهنشاهی ملقب می‌کردند؛ خصوصاً طیفی از روحانیت و اهالی حوزه‌های علمیه را که پشتوانه نظری و دینی نگرش دین‌منهای سیاست را تأمین و به عنوان منابع مشروعیت‌بخش آن عمل می‌کنند.

### رویکرد بیشتر فردی به جای رویکرد اجتماعی

پایبندی شدید به برخی احکام فقهی - عبادی و دستورات شرعی از دیگر خصوصیات دینداری سنتی است. البته گستره این پایبندی، چندان فراتر از محدوده فرد (احکام و عبادات فردی) یا حداکثر گروه (هم هیأتی‌ها، دوستان و آشنایان، اقوام و هم محله‌ای‌ها) نمی‌رود و به سطح جامعه نمی‌رسد.

### کارکرد سیاسی هیأت‌های سنتی در برابر بحران‌های سیاسی

در ارتباط با کارکرد سیاسی هیأت‌های مذهبی سنتی باید گفت که به دلیل سلطه و هژمونی گفتمان جدایی دین از سیاست (در معنای سنتی خودش) این کارکرد در این دسته از هیأت‌ها کم‌رنگ و عملاً به حاشیه رانده شده است. طرفداران این گونه از هیأت‌ها با تفسیری قضا و قدرگونه از قیام عاشورا، عملاً نقش کارگزاری افراد را در آن حادثه و به طور کلی حوادث زندگی نادیده می‌انگارند. مطلق‌العنانی و برگشت‌ناپذیری آن در این باور سنتی اقتضا می‌کند که واقعه کربلا امری از پیش مقدرشده و با فرجامی محتوم بوده باشد. بنابراین نه حسین<sup>(ع)</sup> و یارانش را یاری ستیز با تقدیر است و نه یزید و اصحابش را. نه حسین<sup>(ع)</sup> را از شهیدشدن گریزی هست و نه یزید را از کشتن. همه چیز از پیش، از قرن‌ها پیش، مقدر شده است و سهمی نمی‌توان برای قدرت و اختیار عامل فردی لحاظ کرد. در مقام تحلیل از این رویکرد مذهبی در قالب هیأت‌های سنتی باید گفت زمانی که عامل فردی و متعاقب آن مفهوم «عقل» از محوریت زندگی کنار گذاشته می‌شود، به طور طبیعی شاهد نوعی انفعال در برابر حوادث و بحران‌ها - چه در سطح شخصی و چه در سطح اجتماعی و سیاسی - از سوی افراد خواهیم بود. وقتی که انسان قبول کند که قضا و قدر پیشامدی را برای وی رقم زده

است، و فرد هیچ اختیار و ابتکار عملی را نمی‌تواند در برابر آن حادثه از خود بروز دهد، خودبه‌خود حفظ وضع موجود و سر تسلیم فرودآوردن وی امری طبیعی جلوه می‌کند. لذا، براین‌اساس، هیأت‌های مذهبی سستی به دلیل دوری از امور سیاسی و اجتماعی و تأکید بر امور فردی به‌جای مشارکت در امور جمعی و اجتماعی دارای کارکرد سیاسی در برابر بحران‌های سیاسی در سطح جامعه نیستند. اینها بحران‌های سیاسی را نتیجه قضا و قدر و نیز محصول گناهان فردی افراد در جامعه محسوب می‌نمایند و لذا سعی می‌کنند در برابر بحران‌های سیاسی سکوت و انفعال پیشه کنند؛ کما اینکه سکوت و انفعال این چنین هیأت‌هایی بستر و دامنه بحران‌های سیاسی را تشدید می‌کند. یکی دیگر از آثار این چنین رویکردی محافظه‌کارشدن و نیز خواهان حفظ وضع موجود بودن است. این امر عملاً پویایی و تحرک فردی را در سطح جامعه از بین برده و سعی در تخریب نیروهای پویای اجتماعی خواهد داشت؛ کما اینکه خود این رویکرد چنین نیت‌مندی را نداشته باشد. انتقاد دیگری را که می‌توان از این منظر به این گونه از هیأت‌ها داشت این است که این دسته از هیأت‌ها به عوام‌گرایی و تثبیت و نهادینه کردن این نگرش غیرمدرن و آمیخته با خرافات و تحریف‌های بسیار در توده مردم متهم هستند. این رویکرد خرافی در بطن خود سعی دارد با تفسیری اسطوره‌ای از مجاهدت‌ها و ایثارگری‌های افراد شاخص دینی، آنها را فرانسائی نشان داده که با امداد نیروهای غیبی و الهی به پیشبرد دین و مذهب یاری رسانند؛ امری که از انسان عادی در سطح جامعه بر نمی‌آید و باید تنها منتظر ظهور فردی از آن خاندان بود و هیچ فعالیتی را از خود نشان ندهد.

### هیأت‌های انقلابی

پیروزی انقلاب اسلامی تنها نظام سیاسی را دگرگون نساخت، بلکه اسباب تحول بسیاری نهادهای دیگر اجتماعی را نیز فراهم آورد. طبیعت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی اقتضا می‌کرد که نهادهای مختلف جامعه، خواسته و ناخواسته، خود را با ایدئولوژی جدید وفق دهند و آن دسته هم که این قابلیت را ندارند، از صحنه جامعه حذف شوند. در این بین، از آنجا که ایدئولوژی انقلاب بنیانی دینی داشت، انقلابیون در نهادهای دینی و منسوب به دین، بیش و پیش از دیگر نهادها و اکاوی و بازنگری کردند. از سوی دیگر، اکثریت توده مبارز و انقلابی را جوانان به شدت متأثر از فضای

آرمان‌گرایی و تحول‌خواهی رایج آن دوران تشکیل می‌دادند. جوانانی که در عین حال، به تناسب فاصله گرفتن از زندگی جامعه سنتی (در نتیجه سیاست‌های مدرنیزاسیون پهلوی اول و دوم) از شاخصه‌ها و ارزش‌های آن جامعه نیز فاصله گرفته بودند و آرمان در انداختن طرحی دیگر را در سر می‌پروراندند و به همین سبب، به آنچه از گذشته مانده بود، به دیده تحقیر و بدبینی می‌نگریستند. یکی از نهادهای شاخص‌تر دینی و نیز یکی از میراث جامعه سنتی هیأت‌های مذهبی بود؛ هیأت‌هایی که به‌رغم تحولانی در درون‌مایه برخی از آنها و گرفتن رنگ و بوی سیاسی، اما باز بر همان ساختار و سازمان سنتی خود باقی مانده بود و حتی حفظ این سنت، در همان شکل پیشین، برای مدیران و بانیان، که عموماً هیأتی‌های پیرسال و پیشکسوت‌ها بودند، یک ارزش به‌شمار می‌رفت. این امر طبیعتاً نمی‌توانست مطلوب و مقبول جوانان انقلابی باشد که حال، به قدرت هم دست یافته بودند. بنابراین جوانان بر آن شدند که به تدریج راه خود را از سنتی‌ها جدا کنند و به موازات آنها گونه‌ای دیگر از هیأت‌های مذهبی و مجالس عزا را پی‌ریزند؛ گونه‌ای که متناسب آرمان‌ها و معیارهای انقلابی خود (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۲۱۳). حاصل کار شکل‌گیری گونه‌ای جدید از هیأت‌های مذهبی شد که هم در ساختار و سازمان، هم در درون‌مایه و گرایش به مفاهیم دینی، هم در مخاطب، هم در ادبیات و حتی در سیاق مداحی، تفاوت‌هایی بارز با نمونه سنتی پیشین خود داشت. ضمن آنکه کارکرد جدیدی هم برای آن تعریف شده و قرار بود که به مثابه تریبونی مردمی - مذهبی در راستای دفاع از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردهای آن عمل کند. محوریت معیارهای انقلابی در طراحی و تکوین این گونه جدید، اقتضا می‌کند که آن را گونه «انقلابی» هیأت‌های مذهبی بدانیم. در هیأت‌های انقلابی علاوه بر شاخص‌های مذکور، حتی سبک مداحی نوین و متفاوتی هم ظهور کرد. نمونه‌های آغازین این سبک جدید را باید «سرودهای انقلابی» دانست. سرودهای آهنگین، که عموماً جمعی از جوانان، با هدایت یک مربی، در مراسم و مجالس مذهبی اجرا می‌کردند.

در آغازین سال‌های پیروزی انقلاب و به اقتضای فضای جدید و نیاز به یک وسیله عام ارتباطی، این گونه هیأت‌ها رواجی روزافزون یافت. البته گروه‌های سرود که بیشتر در پایگاه‌های مساجد رشد و تمرکز داشتند، به تدریج، خارج از قالب هیأت‌ها هم رواج یافتند. با این حال، تا آغاز جنگ تحمیلی و

چندی پس از آن، کماکان گونه‌ای نوپدید از هیأت‌های مذهبی در جامعه محسوب می‌شدند. لذا می‌توان از آنها به «هیأت‌های انقلابی اولیه» نیز تعبیر کرد.

### کارکرد سیاسی هیأت‌انقلابی در دوران جنگ تحمیلی

یکی از شاخصه‌های مهمی که جنگ ایران و عراق را کمابیش از دیگر جنگ‌های نظامی دنیا متمایز می‌کرد، وجوه ایدئولوژیک و مردمی آن بود. به خوبی این امر از ادبیات گفتمانی رایج آن دوران می‌توان یافت که «جنگ ما، جنگ حق علیه باطل بود». رواج این رویکرد، در کنار این واقعیت که بار عظیمی از جنگ را هم نیروهای مردمی (بسیج) بر دوش می‌کشید، نشان می‌دهد که مسئله فراتر از یک سرزمین یا جنگی نظامی است و بی‌شک پای آرمانی مقدس در میان است که قابلیت شکستن قواعد و قوانین متعارف و رایج بین‌المللی را دارد. مفاهیم «جهاد» و «شهادت» به عنوان مفاهیمی دینی، کلید اصلی معماست. تبلور و تجسم این دو مفهوم را با در نظر گرفتن خاستگاه شیعی و انقلابی آنها، بی‌شک باید در قیام عاشورا و حماسه حسینی جست. لذا، طبیعی است که مجالس مذهبی در این رویکرد، جایگاهی محوری داشته باشند و به موتور محرکه جبهه‌ها و نیروهای رزمنده تبدیل شوند (ر.ک. به: سنگری ۱۳۸۰).

چارلز تیلی، از نظریه‌پردازان بسیج اجتماعی و انقلابی، نیز روی عنصر وفاداری و احساس مسئولیت گروهی زیاد تأکید می‌کند. به نظر وی تشکیل یک سازمان بسیج بدون احساس تعهد اعضای آن، و موفقیت یک جنبش اجتماعی بدون احساس تعهد جمعی در قبال اهداف جنبش امکان‌پذیر نمی‌باشد (تیلی ۱۹۷۸ : ۶۴-۶۲ و ۲۰۸-۲۰۴). مفاهیم و ارزش‌های جهاد و شهادت به مثابه مؤلفه‌های بسیج‌کننده در ایدئولوژی انقلاب اسلامی از پتانسیل بالایی در جهت توده مردم در جنگ تحمیلی داشتند. هرچند در ذات اسلام و مذهب تشیع ارزش‌های شهادت و جانبازی در راه اهداف اسلام و تحقق ارزش‌های اسلامی وجود دارد، در فرآیند انقلاب اسلامی دو عامل دیگر در آماده کردن مردم به مشارکت فعال در جنبش و ایثارگری و فداکاری در راه آن مؤثر بود. یکی رهبری فرهنگدانه امام خمینی و دیگری الهام از مکتب شهادت امام حسین<sup>(ع)</sup> (پناهی ۱۳۸۵ : ۶۵). کارویژه الهام‌گیری از مکتب عاشورا و قیام امام حسین<sup>(ع)</sup> را باید از کارکردهای سیاسی - فرهنگی هیأت‌های انقلابی در این دوران دانست. این مقطع را می‌توان دوره تأثیرگذار دیگری در تاریخ حیات هیأت‌ها و

مجالس مذهبی دانست. زیرا با آغاز جنگ تحمیلی، گونه نوپدید هیأت‌های انقلابی تکامل یافت و توانست خود را به‌عنوان گونه‌ای مستقل از هیأت‌های سنتی تثبیت کند. این استقلال را با چند شاخص می‌توان بیان کرد. اولاً، به دلیل عدم محدودیت زمانی جنگ و استمرار آن، برگزاری مجالس و هیأت‌ها هم دیگر از انحصار مناسبت‌های مشخص در تقویم دینی (هنجار زمانی) خارج شد. به‌عنوان مثال، دیگر لزومی نداشت که حتماً شب عملیات، در دهه فاطمیه یا در ماه محرم باشد تا مجالس مذهبی در جبهه برقرار شود. دومین تفاوت به ماهیت سیاسی جنگ، در عین مذهبی بودن آن برمی‌گشت (اسلام سیاسی) که در بسیاری موارد به این منجر می‌شد که مفاهیم رزمی و انقلابی با مفاهیم دینی آمیخته شود و درون‌مایه محتوای عزاداری را تشکیل دهد. منظور از هیأت‌های انقلابی دوران جنگ، گونه‌ای از هیأت‌های مذهبی است که چندی پس از آغاز جنگ تحمیلی و برای تطبیق الگوی دفاع مقدس و واقعه عاشورا، براساس ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و با گفتمان تشیع انقلابی و مبارزاتی، در جبهه‌های جنگ و نیز در شهرها شکل گرفت (حسام مظاهری ۱۳۸۹: ۳۶۸).

نکته مهم در انقلاب اسلامی، به‌ویژه در دوران هشت ساله دفاع مقدس، شباهتی است که مردم و رزمندگان میان امام خمینی با حضرت اباعبدالله<sup>(ع)</sup> و جبهه‌های نبرد با صحرای کربلا می‌یافتند. در شعار مشهور «نهضت ما حسینیه / رهبر ما خمینی» به خوبی این مفهوم و نگرش نهفته است. اینکه امام خمینی خود از خاندان پیامبر، و راه و سخن و سیرت او تداعی‌کننده همان راه و همان سخن و شیوه بود، چنین تصویر و باوری را به ذهن‌ها می‌بخشید. علاوه‌براین، امام در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود، بارها به نهضت عاشورا و شباهت جبهه‌ها، رزمندگان، شهدا و مردم به یاران امام حسین<sup>(ع)</sup> اشاره می‌کردند. رزمندگان نیز با چنین باوری خود را در همان راه می‌یافتند. جدول زیر که برگرفته از یکی از پژوهش‌های جامعه‌شناسی در باب ارزش‌هایی همانند جهاد و شهادت صورت گرفته است، چگونگی توزیع مضمون‌های جهاد و شهادت برای حضرت امام خمینی را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱: چگونگی توزیع مضمون‌های جهاد و شهادت برای امام خمینی

موضوع زیر- مقوله‌ها	تعداد مضمون	درصد
اعلام آمادگی کلی جهت شهادت برای رهبر	۳۷	۳۷.۷
تایید و تاکید بر حسینی بودن رهبر و راه او	۱۶	۱۶.۳
اعلام آمادگی برای شهادت و جانبازی برای فرمانبرداری از رهبر	۱۲	۱۲.۱۲
درخواست حکم و یا اذن جهاد از رهبر برای جهاد و شهادت	۱۰	۱۰.۲
اعلام سرباز و در خدمت امام بودن	۱۱	۱۱.۲
سایر مضمون‌های مربوطه	۱۲	۱۲.۴
جمع مضمون‌ها	۹۸	۱۰۰.۰

(پناهی ۱۳۸۵: ۸۲)

جدول بالا مضمون‌هایی را نشان می‌دهد که در آنها به نحوی جانبازی و شهادت برای رهبری انقلاب، یعنی امام خمینی، اعلام شده است. در واقع در این مضمون‌ها، جهاد و شهادت به نحوی به عنوان یک ارزش ابزاری مطرح شده است، که در آنها امام خمینی و فرمانبرداری از او به عنوان یک ارزش برتر مطرح می‌شود که شایسته است برای آن جانبازی و فداکاری کرد (پناهی ۱۳۸۵: ۸۲). از سویی دیگر، و با پشتوانه این عزم جهادی، جبهه‌ها با باور کربلا بودن می‌تپید و پشت جبهه با باور رسالت دینی و مسئولیت تداوم عاشورای جبهه‌ها (سنگری ۱۳۸۱: ۶۵-۶۳).

مشابه دانستن و تطبیق این دو واقعه تاریخی، گفتمان رایج نظام تبلیغاتی دوره جنگ محسوب می‌شد: «مرگ بر صدام یزید کافر»، «حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست»، «کربلا کربلا ما داریم می‌آییم». ادبیات عاشورایی، ادبیات رایجی بود که حتی جزئی‌ترین موارد جنگ مانند نام عملیات‌ها (کربلای ۱ و ۲ و...) و رمز عملیات (یا حسین و...) را هم در برمی‌گرفت (ر.ک. به: فهیمی ۱۳۷۰ الف؛ فهیمی ۱۳۷۰ ب).

سومین شاخصه مهم هیأت‌های انقلابی این دوران، پررنگ شدن و محوریت یافتن ادعیه و زیارات در برگزاری مجالس مذهبی بود. این برهه را می‌توان دوران رونق یافتن مجالس ذکر و دعا و توسل دانست؛ چه در جبهه‌ها و مناطق جنگی (مفهوم «توکل» وجه دینی جنگ) و چه در شهرها و مناطق پشت جبهه (مفهوم «توسل» وجه مردمی جنگ) مجالس دعا به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌شد. علاوه بر شاخصه‌های مذکور، تفاوت دیگر هیأت‌های انقلابی این دوره با هیأت‌های سنتی، در سادگی و عدم تکلف آنها بود. به خلاف هیأت‌های سنتی، هر هیأت انقلابی هیچ ابزار و آلات خاصی را شامل نمی‌شد (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۲۱۵).

اما مهم‌ترین تحولی که در حیات هیأت‌های مذهبی در قالب هیأت‌های مذهبی انقلابی رخ داد، را باید تحول در حوزه محتوای سخنرانی‌ها و آموزه‌های داده شده به مخاطب دانست. در زمینه شاخصه‌های محتوایی می‌توان گفت که در هیأت‌های انقلابی، محتوای سخنرانی‌ها از بیان مسائل معمول و عامیانه، به اقتضای اوضاع جدید، به سمت تحلیل مسائل سیاسی روز، تبیین مسائل جنگ و انقلاب اسلامی و بیانات امام و نیز مباحث مربوط به اخلاق و خودسازی (مفهوم جهاد اکبر در کنار جهاد اصغر) در جبهه‌ها معطوف شد. برای هر سخنران، پیش از خطیب خوب بودن و بیان رسا داشتن و اصطلاحاً منبری حرفه‌ای بودن - یعنی آنچه که در هیأت‌های سنتی از الزامات بود- انقلابی، مکتبی و خط امامی بودن اهمیت داشت. حاصل ورود قشر جدید روحانیون به عنوان واعظ به هیأت‌های مذهبی بود که ائمه جمعه، شخصیت‌ها و رجال مبارز و سیاسی روحانی کشور بودند. این تحول محتوایی البته دامن مداحی‌ها و مداحان را هم گرفت. طبیعی بود که هر هیأت انقلابی و بسیجی، مداحی انقلابی و بسیجی هم بطلبد. در نتیجه، قشر عظیمی از جوانان انقلابی و علاقه‌مند به عنوان مداحان و نوحه‌گران مخصوص جنگ شاخص شدند. به تدریج در هیأت‌های انقلابی، نوحه‌خوانی بر دیگر گونه‌های مداحی غلبه یافت. زیرا عنصر «حماسه» که ضرورت و نیاز تبلیغاتی جبهه‌ها و جامعه در حال جنگ آن روز بود، با نوحه تناسب و تطابق بیشتری داشت. البته نوحه‌های انقلابی هم با نمونه‌های نوحه‌های سنتی تفاوت‌هایی فاحش داشت و عنصر برانگیزانندگی، شورانگیزی و حماسه در آنها تقویت شده بود. همچنین بسیاری از نوحه‌ها به اقتضای نبرد، صورت رجزخوانی داشت (سنگری ۱۳۸۰: ۱۹۶-۱۹۵).

به تبع پیدایش هیأت‌های انقلابی باید از ظهور «مداحی انقلابی» نیز سخن گفت؛ به مثابه سیاقی جدید و متفاوت از نمونه‌های سنتی و در تناسب با اقتضائات هیأت‌های انقلابی. در مجموع باید به جهت کارکرد سیاسی ذکر کرد که هیأت‌های انقلابی دارای کارکردهای سیاسی متعددی بودند که در ذیل به آنها به طور خلاصه اشاره می‌گردد:

- حفظ و تقویت روحیه رزمندگان و جهت‌دهی به آنان؛
- تبلیغات به نفع جریان جنگ؛
- سالم‌سازی مناسبات و جهت‌دهی به آنها؛
- حفظ و تقویت ارزش‌های انقلاب اسلامی در جامعه؛
- آگاهی‌بخشی سیاسی به توده مردم در برابر گروه‌های معاند نظام سیاسی.

### هیأت‌های انقلابی دوران پس از جنگ

در این بخش به مهم‌ترین نوع و دسته هیأت‌های مذهبی که مورد نظر پژوهش حاضر هستند یعنی هیأت‌های انقلابی پس از جنگ خواهیم پرداخت. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، جنگ ایران و عراق پس از هشت سال تعارض فرسایشی به پایان رسید. روزمرگی و فضای رخوت‌آمیز شهرها (پشت جبهه) که آن اواخر رشحاتی از آن به جبهه‌ها هم منتقل شده بود، به تدریج از شور و هیجان فضای تبلیغاتی حاکم می‌کاست و پایان غیرمنتظره جنگ، آن را به پایین‌ترین درجه خود، رساند. به تبع این وضعیت، طبیعی بود که هیأت‌های انقلابی هم متحول شدند و از رونق سابق آنها کاسته شد. با رحلت حضرت امام خمینی در خرداد ۶۸، جامعه وارد فضای جدیدی می‌گردد. همچنین رویکرد اجرائی کشور از فضای انقلابی و احساسی به سمت فضای غیرانقلابی و سازندگی خرابی‌های به‌جا مانده از رژیم قبلی و جنگ تحمیلی، فضای ارزشی جامعه را دچار تحول ساخت (رفیع‌پور ۱۳۷۷: ۱۸۴).

برای عده‌ای از انقلابیون تحولات پس از جنگ توجیهی نداشت. آنها این فضا را در مقابل تفکر اصیل انقلاب اسلامی و امام و آرمان‌های شهدا ارزیابی می‌کردند. اینان از آنجا که چندان موفق نشدند با وضعیت جدید خود را تطابق دهند، به تدریج، به حاشیه انزوا رانده شدند. بخش عمده‌ای از اعضای این دسته ترجیح دادند در «وانفسای جامعه به فساد کشیده شده» و «فضای آلوده شهر» ارتباط‌های سالم مانده دوران جنگ خود را به عنوان روزنه نگه دارند و هیأت‌های مذهبی در نقش



بهترین محمل، عهده‌دار این نگهداری شدند. این جلسات باعث شد مدلی از هیأت‌های مذهبی با نام «هیأت‌های خصوصی» به وجود بیاید. کارکرد این هیأت‌ها بیشتر در زنده نگهداشتن یاد شهیدان و دوستان رزمنده قدیمی و حسرت و گریه و درد دل و گلایه از وضعیت جامعه بود. این گلایه و اعتراض بیشتر درون گروهی بود.

این روند ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۳۷۲ رهبر انقلاب مسئله «شیخون فرهنگی غرب» را مطرح کردند و در تبیین راهبرد نیروهای انقلاب پس از پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی و سازندگی «گام چهارم» را «نوسازی معنوی جامعه» دانستند. طرح این مسئله آن هم از سوی رهبری نظام (نقطهٔ اتفاق نیروهای انقلابی) فصل جدیدی را در فعالیت هیأت‌های انقلابی پس از جنگ گشود؛ زیرا از این مرحله، با سازماندهی مجدد اعضای خود و تحت عنوان «مبارزه با تهاجم فرهنگی» به صحنهٔ فعالیت در جامعه بازگشتند. در آن مقطع، هیأت‌های انقلابی معترض از خانه‌ها به مزارهای شهدا کشانده شدند. و همچنین به اقتضای رویکرد جدید، از سادگی در سازمان خود به سمت پیچیدگی سوق یافتند و نهادهای مکملی را در ساختار خود پذیرا شدند؛ از جمله ارگان هیأت، تبلیغات و... اعتراضات و گلایه‌ها از وضع موجود هم از محافل خصوصی به صحنهٔ افکار عمومی جامعه کشانده شد. در نتیجه، در این مقطع با ظهور گروه‌های خودجوش انقلابی و معترضی از بین اعضای هیأت‌های انقلابی مواجهیم که اوایل کار با عناوین مختلف و بعدها تحت عنوان «انصار حزب الله» به فعالیت پرداختند. نمونهٔ شهرت‌آمیز این هیأت‌ها «هیأت هفتگی انصار حزب الله» بود که تحت عنوان «گام چهارم؛ نوسازی معنوی» (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۲۲۰) برگزار شد. نشریهٔ هفتگی *یا لثارات الحسین* به عنوان ارگان اصلی این هیأت‌ها در این مقطع بازتاب‌دهندهٔ افکار و عقاید این گروه‌ها بود. مهم‌ترین مصادیق عینی تغییر رویکرد هیأت‌های انقلابی و ظهور «گونهٔ رادیکال» آنها را می‌توان در این موارد خلاصه کرد: ۱- برگزاری نماز جماعت در محیط‌های شهری و خصوصاً مناطق مرفه‌نشین شهرها؛ ۲- برخورد رادیکال با زنان بدحجاب تحت عنوان نهی از منکر؛ ۳- برگزاری راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز به بعضی مظاهر مفاسد اجتماعی؛ ۴- شعارنویسی بر دیوارهای شهر، عموماً مواردی چون «مرگ بر بدحجاب»، «بدحجاب = اتوبوس همگانی»؛ ۵- برخوردهای فیزیکی؛ نظیر به هم ریختن سخنرانی دکتر عبدالکریم

سروش در دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۴، حمله به انتشارات مرغ آمین، زد و خورد با اقشاری از جوانان (که به زعم اینان مروج فساد بودند) و... (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۲۲۱-۲۲۰).

اتخاذ رویکرد اعتراضی نسبت به تغییرات ارزشی و وضعیت فرهنگی جامعه آن زمان و این تحلیل که وضعیت مذکور در تعارض با آرمان‌های امام و شهداست و اگر اصلاح نشود همه جامعه را به تباهی خواهد کشاند، هدف مشترک فعالیت‌های هیأت‌های انقلابی رادیکال بود. به همین دلیل، مجالس و عزاداری‌های هیأت‌های انقلابی رادیکال همواره رنگ و بوی سیاسی داشته و روضه‌خوانی‌ها هیچ‌گاه فارغ از گریززدن به مسائل اجتماعی و وضعیت روز کشور نبوده است. به زعم برخی حاج منصور ارضی - مداح برجسته انقلابی - در تثبیت این الگوی مداحی انقلابی نقش اصلی را ایفا کرده است (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۲۲۱). این نوع از هیأت‌های مذهبی اگرچه دارای کارکرد سیاسی بودند، اما این کارکرد آنها کمتر از موضع کنترل بحران‌های سیاسی بوده است. دلیل این امر هم در عدم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق در برخورد با مشکلات و موانع سیاسی جامعه می‌باشد. زیرا رویکرد هیأت‌های انقلابی رادیکال رویکردی «سلبی» و «دفعی» به جای رویکرد «ایجابی» و «پویا» بوده است. افرادی که در هیأت‌های انقلابی رادیکال عضویت دارند در برخورد با مشکلات سیاسی دارای یک راهبرد بلندمدت و پیش‌گیرانه و دائمی ندارند. به تبع این امر، رویکردهای رادیکال و احساسی با مسائل سیاسی امروزه باعث برخورد تند و مقطعی از سوی این گونه از هیأت‌ها می‌گردد. به عبارت دقیق‌تر این هیأت‌ها به جای اینکه بر مهار بحران‌های سیاسی تأثیر مثبت داشته باشند بر تنور آتش آن به واسطه اعمال رادیکال خود می‌دمیدند، بی‌آنکه خود این نیت‌مندی را داشته باشند. لذا طبیعی است که این گونه از هیأت‌ها در مقایسه با هیأت‌هایی از سنخ خود در موقعیت اقلیتی قرار گرفته و دارای اقبال فراگیر در جامعه نیستند.

به موازات اعضای هیأت‌های انقلابی رادیکال، دیگرانی از همان نسل جبهه و جنگ بودند که در مواجهه با روند تغییرات ارزشی در جامعه آن روز، سیاست دیگری را برگزیدند و با این اعتقاد که «بهترین راه مبارزه با شیخون فرهنگی غرب، فعالیت متقابل و مثبت فرهنگی است»، به فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی و سیاسی روی آوردند و هدف‌گیری کار خود را بر مخاطبان اصلی تهاجم فرهنگی، یعنی جوانان و نوجوانان، متمرکز کردند. تحقق این دغدغه‌ها نیازمند ارتباط‌گیری سازمان‌دهی شده و هدفمند با مخاطبان جوان و نوجوان بود تا زمینه تأثیرگذاری هر چه بیشتر و

عمیق‌تر فراهم شود. به گونه‌ای که برای آنان در کنار خانه و مدرسه، گروه مرجع سومی هم تعریف شود: هیأت مذهبی. لازمه این کار هم آن بود که این هیأت‌ها و مراکز فرهنگی، در کنار کارکرد دینی و سیاسی، کارکرد فراغتی و آموزشی هم بیابند. لذا به لحاظ نسبت‌سنجی کارکرد سیاسی این دسته از هیأت‌ها باید گفت که برخلاف هیأت‌های انقلابی رادیکال که کارکرد سیاسی اعتراضی را سرلوحه کار خویش قرار داده بودند، هیأت‌های انقلابی فعال فرهنگی سعی داشتند از طریق شیوه‌های نرم‌افزاری به جهت‌دهی ذهنیت نسل نوجوان و جوان در راستای آرمان‌های انقلاب اسلامی و رهبری مبادرت کنند. از ویژگی‌های این نوع هیأت‌های مذهبی باید به موارد زیر اشاره داشت:

داعیه نوگرایی دارد / بر وطن‌گرایی تأکید می‌کند / به اخلاق بیش از دیگر ساحت‌های دین می‌پردازد / متساهل و آسان‌گیر است (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۳۹۹).

### ظهور و توسعه هیأت‌های عامه‌پسند

در جامعه امروز، با توجه به مشخصات فرهنگ عامه‌پسند، به نظر می‌رسد که می‌توان از پدیده‌ای منحصر به فرد در عرصه دینداری سخن گفت و آن را یکی از مظاهر سبک زندگی دیندارانه جدید قشری از جوانان شهرنشین ایرانی دانست؛ پدیده‌ای که می‌توان از آن به «هیأت‌های مذهبی عامه‌پسند» تعبیر کرد. هیأت‌های عامه‌پسند گونه‌ای جدید از هیأت‌های مذهبی است که در سال‌های اخیر و در برخی شهرهای بزرگ و صنعتی کشور، ظهور کرده است. آمارهای رسمی و غیررسمی موجود از رشد و توسعه بی‌سابقه و تصاعدی هیأت‌های عامه‌پسند در سال‌های اخیر حکایت دارد. ظهور چند جریان اجتماعی در مجامع مذهبی و انقلابی، در نیمه دوم دهه هفتاد، زمینه و بستری مناسب برای رشد و گسترش این جریان فراهم ساخت؛ عرفی شدن نگرش به روحانیت، ایجاد شائبه ناکارآمدی نظام اسلامی، رواج جریانات شبه‌عرفانی و رواج گرایش تساهل مدارانه فرهنگی در جامعه و سرایت آن به مجامع مذهبی از مهم‌ترین این جریانات است. علاوه بر این عوامل بیرونی، دو عامل درونی هم در این رشد دخیل بوده است: اولی، سهولت تأسیس هیأتی عامه‌پسند در مقابل دشواری تأسیس گونه‌های دیگر و دیگری مداحی عامه‌پسند با شاخصه‌هایی چون جذابیت، جوان‌پسند بودن و نوآوری در ارائه

سبک‌های پرهیجان و جذاب سینه‌زنی و عزاداری. این هیأت‌ها به غیر از کارکرد سیاسی از کارکردهای دیگری برخوردارند:

- **کارکرد حفاظتی:** برای بیشتر اعضای این هیأت‌ها، هیأت حکم پناهگاه و مأمنی را دارد که می‌توانند از مشکلات، مسائل و آسیب‌هایی که در اجتماع با آنها مواجه‌اند، به دامن آن پناه ببرند. هیأت روزنه‌ای است به خوب بودن و خوب شدن؛ ابزاری است برای در امان ماندن از وسوسه کجروی‌های فراوانی که در معرض آنها قرار دارند.

- **کارکرد جامعه‌پذیری مجدد:** این هیأت‌ها از آنجایی که بیشتر برای اعضای خود، صورتی محفل مانند و ملجا دارد با فضایی آکنده از صمیمیت، برای اعضای خود چنین تصویری را به وجود می‌آورد که مهم‌تر از آنکه در هیأت چه می‌گذرد، صرف جمع شدن مرتب اعضا دور هم مهم است (حسام‌مظاہری ۱۳۸۹: ۴۳۵).

این هیأت‌ها کارکردهای دیگری چون تخلیه روانی (از طریق شیوه عزاداری) و پاسخ به غرایز دوران جوانی (از طریق زمینه‌سازی برای شکل‌گیری و تکامل شخصیت فرد و ازدواج و تشکیل خانواده) را هم دارا هستند.

بررسی اشعار، نوحه‌ها و روضه‌های مرسوم در هیأت‌های عامه‌پسند می‌توان حضور پررنگ نوعی قرائت خاص از دین و مفاهیم مرتبط با آن (اهل بیت، شفاعت، آخرت و...) را در این هیأت‌ها مشاهده کرد. قرائتی که می‌توان آن را ذیل الگوی «اسلام عرفی» جای داد و هیأت‌های عامه‌پسند را نماینده آن دانست. می‌دانیم که اساساً عرفی‌شدن با تعاریف حداقلی، کارکردی و فردی از دین هماهنگ و همراه است (شجاعی‌زند ۱۳۸۰: ۲۰۵). اسلام عرفی اسلام عامه است؛ عامه‌ای که در دینداری بنای استقلال دارند و مدعی ارتباط مستقل با منابع امر قدسی هستند. از این رو، بی‌نیاز از مرجعیت رسمی هنجار دینی (روحانیت) به رتق و فتق امور دینی خود می‌پردازند. آسان‌گیری و انعطاف‌پذیری در اجرای آداب و مناسک دینی شاخصه دیگر این دینداری است که از ابعادی، آن را با تصوف پیوند می‌زند. اسلام عرفی را با اسلام سیاسی - اجتماعی میانه‌ای نیست و هر چند باید آن را پدیده‌ای نوظهور و محصول زندگی جدید ارزیابی کرد، اما در عین حال، شباهت‌هایی بسیار با الگویی اسلام سنتی دارد؛ به گونه‌ای که در وهله اول، شائبه انتساب به آن را به ذهن متبادر می‌کند. وجه اصلی این شباهت، اما تعلق هر دو الگو به سنت دینداری عامه

و تمایز هر دو از دینداری خواص است. با این اوصاف، هیأت‌های عامه‌پسند را می‌توان دارای خصوصیات زیر دانست:

داعیه استقلال از مرجعیت رسمی هنجار دینی دارد/ در آن حجیت عقل اصالتی ندارد /  
 اسطوره محور است / متأثر از تصوف است / بر انفکاک از سیاست تأکید دارد / فردی است /  
 متساهل و آسان‌گیر است (حسام‌مظاهری ۱۳۸۹: ۴۴۳).

در رابطه با کارکرد سیاسی این هیأت‌ها دو ویژگی از ویژگی‌های بالا برای پژوهش حاضر اهمیت دارد، که در ذیل به طور خلاصه بررسی می‌گردند:

- داعیه استقلال از مرجعیت رسمی هنجار دینی است؛

- بر انفکاک از سیاست تأکید دارد.

با بررسی و مذاقه در باب دو مؤلفه مذکور برای هیأت‌های عامه‌پسند و موردنظر قرار دادن ویژگی‌های دیگر باید گفت که هیأت‌های مذهبی عامه‌پسند به مانند هیأت‌های مذهبی سنتی‌شان دارای کارکرد سیاسی در مهار و کنترل بحران‌های سیاسی به معنای واقعی کلمه نیستند. زیرا موضع انفعالی و بی‌توجهی به مسائل سیاسی از هنجارهای این‌گونه از هیأت‌ها محسوب می‌گردد. این هیأت‌ها با این استدلال که مجالس اهل بیت<sup>(ع)</sup> جای مسائل آلوده این دنیایی همچون سیاست نیست، از توجه به این مسائل سرباز می‌زنند. این امر که به طور خرنده و خاموش و به طور روزافزون گسترش می‌یابد، بایستی در کانون توجهات سیاست‌گذاران فرهنگی قرار گیرد. البته برخی سعی دارند که این امر را ناشی از تبلیغات خارجی یا اینکه براساس تئوری توطئه این امر را اثبات کنند ولی واقعیت امر این است که به نظر می‌رسد این امر ناشی از دو دسته از دلایل می‌تواند باشد، که در دو سطح مطرح است:

**سطح نخست**، سطح برون‌هیأتی است. دلایل ظهور و گسترش هیأت‌های نوپدید عامه‌پسند در سالیان اخیر را باید در نحوه عمل قابل نقد هیأت‌های انقلابی در پیش از پیدایش هیأت‌های جدید و نیز تغییر و تحولات فرهنگی- اجتماعی جامعه در سال‌های اخیر، در کنار دلایل دیگری چون اقتضائات و خصوصیات زندگی شهری دید. این دلایل در این سطح تحلیل مجموعاً بستری را فراهم آورده بود که دیر یا زود این شکاف و تحول ایجاد می‌شد.

**سطح دوم**، را باید از منظر درون‌دینی دید. در این سطح باید نقش عامل «سهل‌انگاری و کوتاهی خطیبان و حوزه و روحانیت» را در کنار عامل «کوتاهی مداحان بی‌سواد و ناآگاه» را مدنظر قرار داشت. زیرا این دو قشر به مثابه دو رکن رکین هیأت‌های مذهبی چه به لحاظ فرمی و چه به لحاظ محتوایی، نتوانستند یا نخواستند با شرایط و مقتضیات و تحولات جامعه حرکت کنند. لذا محتوای روزآمد در جهت پاسخ‌دهی به سؤالات فراوان دینی - معرفتی جوانان و نیز گشودن افق‌های جدید در حوزه تفکر دینی و همچنین تحول در شیوه‌های مداحی در جهت جذب مخاطبان می‌تواند نقش مهمی را ایفا نماید.

### هیأت‌های عامه‌پسند انقلابی

به‌رغم شتاب فزاینده توسعه و گسترش هیأت‌های مذهبی عامه‌پسند در آستانه دهه ۸۰، اما از میانه این دهه این جریان در سرایشی افول گام نهاد و به صورت محسوسی از هیجان و رونق پیشین آنها کاسته شد. چند عامل بیش از دیگران در این افول نقش داشتند: در این میان می‌توان به درگذشت مداح معروف سیدجواد ذاکر (شاخص‌ترین چهره مداحی عامه‌پسند)، مجموعه اتفاقات و حاشیه‌هایی که برای عبدالرضا هلالی (چهره شاخص دیگر هیأت‌های عامه‌پسند) رخ داد و نهایتاً به شکسته شدن اسطوره هلالی منجر شد، ولی مهم‌ترین عامل در این زمینه را باید قدرت‌یابی مجدد هیأت‌های انقلابی دوران پس از جنگ، خصوصاً پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ دانست. در دورانی که جریان مداحی عامه‌پسند روزهای فترت خود را سپری می‌کرد و به تبع، رقابت‌های داخلی مداحانش - به مثابه محوری‌ترین رکن این دسته از هیأت‌ها - به روزمرگی کشیده شده بود، انتخابات ریاست جمهوری نهم فرصتی طلایی برای هیأت‌های انقلابی بود تا بتوانند دیگر بار، قدرت خود را در بسیج توده جوانان انقلابی و هیأتی به رخ بکشانند. این بود که چهره‌های شاخص این جریان رسماً به میدان رقابت‌های انتخاباتی قدم نهادند و از همان آغاز حمایت از کاندیدای مطلوب خود، محمود احمدی‌نژاد، را آشکار کردند. از سوی دیگر، این هیأت‌ها نیز از حمایت احمدی‌نژاد چه در دوران تصدی بر شهرداری تهران و چه در دوران ریاست جمهوری برخوردار بودند. این وضعیت جدید هیأت‌های انقلابی و مداحان آنها - خصوصاً که با دوران افول رقبای عامه‌پسند هم مصادف شده

بود- قدرت را دوباره به آنان بازگرداند و دیگر بار، توجه کثیری از مخاطبان جوان را به جانب آنها جلب کرد و در مقابل، از اقبال به هیأت‌های عامه‌پسند بازداشت.

این هیأت‌ها با پشتوانه اقبال فراگیری که طی چندسال اخیر کسب کرده‌اند، توانستند دارای کارکرد سیاسی زیادی در سطح کشور باشند. این امر زمانی تشدید می‌گردد که ما شاهد تحول دوگانه واعظ (منبری) و ذاکر (مداح) در این گونه از هیأت‌ها هستیم. واعظ و مداح برخلاف گونه‌های گذشته که هر کدام کارویژه خاص خودشان را داشتند، در هیأت‌های انقلابی در بعد محتوای خطابه و مداحی در راستای یکدیگر هستند. به عبارتی دیگر، محتوای مداحی در امتداد محتوای خطابه می‌آید. در این نوع از هیأت‌ها محوریت محتوای خطابه و مداحی (علاوه بر ترویج و یادآوری آموزه‌های معرفتی و دینی) با مسائل سیاسی- اجتماعی و فرهنگی است. به این ترتیب که واعظ در خلال خطابه دینی و مذهبی خویش همواره به تطبیق شرایط روز با وقایع تاریخی در زمان امامان معصوم<sup>(ع)</sup> می‌پردازد و این گونه تصویرسازی می‌نماید که فرقی بین این دو زمان به لحاظ تقابل حق و باطل نیست و مسلمان باید در مبادی تاریخی به تکلیف خویش که همان پشتیبانی و حمایت از ولایت است عمل نماید؛ همین امر نیز به طور هماهنگ در مداحی متجلی می‌گردد و سعی دارد با تهییج و تحریک احساسی، تأثیر عمیق‌تری بر ذهن مخاطب داشته باشد. کارنامه این هیأت‌ها و گردانندگان و نیز مخاطبان آنها، نشان‌دهنده حساسیت بالای آنان به مسائل و بحران‌های سیاسی- اجتماعی است. به تبع همین امر هم باید از کارکرد سیاسی هیأت‌های عامه‌پسند انقلابی به مثابه مهم‌ترین کارکرد آنها نام برد. برای اثبات این مدعا مثال‌های تاریخی راهگشا خواهد بود. به‌طورمثال، می‌توان از ایفای نقش اصلی در جریان انتخابات ریاست جمهوری و نیز جهت‌دهی به فضای فکری مخاطبان در راستای حمایت از کاندیدای موردنظر، آگاهی‌بخشی و بصیرت‌دهی به مخاطبان در کوران حوادث ریاست جمهوری ۱۳۸۸ و وقایع فتنه آن سال و همچنین تهییج و شوربخشی به جوانان به مقابله با فتنه‌گران در واقعه روز عاشورای همان سال و حضور در صحنه و فراگیر در یوم الله نهم دی ماه و بیعت دوباره با آرمان‌های ولایت فقیه و انقلاب اسلامی نام برد. لذا اگر نگاه راهبردی به امر کارکرد سیاسی هیأت‌های مذهبی داشته باشیم، باید سیاست‌گذاران

فرهنگی کشور در جهت گسترش و تعمیق هر چه بیشتر این گونه از هیأت‌ها همت نمایند و در تصمیم‌گیری‌های خویش این امر خطیر را مدنظر قرار دهند.

اما این نوع از هیأت‌ها نیز از نقد به دور نبوده‌اند که می‌توان آنها را در دو دسته جای داد:

الف) نقدهای کلی به هیأت‌های عامه‌پسند: که شامل هنجارشکنی در محتوا و فرم عزاداری؛ منفعل بودن روحانی و واعظ هیأت؛ تفکر جدایی دین و مذهب از سیاست؛ رویکرد فردی و تصوفی‌داشتن در قبال جامعه و به تبع آن منزوی و منفعل گشتن افراد در قبال مسائل جامعه؛ رویکرد اسطوره‌ای در برخورد با اهل بیت و حیات و سیره آنها و متعاقب آن غلوکردن در ترسیم چهره آنان را می‌توان از انتقادهای وارده بر این نوع از هیأت‌های عامه‌پسند دانست.

ب) انتقادهای وارده بر هیأت‌های عامه‌پسند انقلابی: این نوع از هیأت‌ها نیز از منظر سیاسی کاری صرف و همچنین طرفداری از تفکری خاص متهم شده‌اند. اگرچه این هیأت‌ها در پاسخ به این انتقادات، سعی داشته‌اند شائبه این نقدها را از خود دور سازند، اما واقعیت امر نشان از صحت نسبی این انتقادات است. به هر صورت نقدهای وارده نیز تا بدانجا به جا و درست است که این هیأت‌ها در جهت تفکری خاص و در مقابل تخدیر اذهان نسبت به رویکردهای سیاسی دیگر عمل نمایند. اما اگر کارکرد سیاسی هیأت‌های انقلابی عامه‌پسند در خدمت آرمان‌ها، هنجارها و ارزش‌های جامعه اسلامی و در راستای منویات رهبری باشد، تا حدودی از نقدهای وارده مبرا هستند.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی این موضوع پرداختیم که هر یک از این انواع هیأت‌های مذهبی دارای چه کارکرد سیاسی در برابر بحران‌های سیاسی می‌توانند باشند؟ بر پایه پژوهش حاضر هیأت‌های سنتی و هیأت‌های عامه‌پسند اولیه به دلیل اعتقاد به جدایی دین از سیاست و منفک بودن امر دینی از امر سیاسی، دارای کارکرد سیاسی قابل‌اعتنایی در سطح جامعه نیستند. زیرا به واسطه رویکرد فردی و اسطوره‌گرایی که این دسته از هیأت‌ها به مقولات دینی دارند، خود را فارغ از نگاهی اجتماعی و جمعی در برابر مشکلات و مسائل سیاسی-اجتماعی می‌دانند. در مقابل بایستی از دسته دیگری از هیأت‌های مذهبی نام برد که ریشه در اعتقاد آنها به مفهوم «اسلام سیاسی» دارد. به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت که می‌توان هیأت‌های مذهبی را در دو دسته کلی جای داد: هیأت‌های مذهبی



معتقد به اسلام عرفی (مثل هیأت‌های سنتی و عامه‌پسند اولیه) و هیأت‌های مذهبی معتقد به اسلام سیاسی (مثل هیأت‌های انقلابی قبل و بعد از انقلاب). در نوع دوم از این تقسیم‌بندی، این گونه از هیأت‌ها با ابتناء به چنین اعتقادی که اسلام دارای کارکرد سیاسی و اجتماعی است و بایستی دین در عرصه حکومتی و سیاست نقشی پررنگ را دارا باشد، به مبارزه با تفکر اسلام عرفی (موجود در هیأت‌های سنتی و عامه‌پسند اولیه) پرداخته و در مبارزات انقلابی با رژیم سابق پهلوی این تفکر با تفسیری ایدئولوژیک و انقلابی از قیام حضرت امام حسین<sup>(ع)</sup> در واقعه عاشورا و نیز زندگی دیگر امامان معصوم<sup>(ع)</sup> به بسیج سیاسی توده مردم مبادرت نموده و توانست با ابتناء بر این توده فراگیر، رژیم شاهنشاهی را ساقط نماید. همین نوع از هیأت‌های مذهبی بار بسیج سیاسی را نیز در دهه اول جمهوری اسلامی یعنی در بعد داخلی با دشمنان و معاندان داخلی و در بعد خارجی در جنگ با عراق در قالب جنگ تحمیلی، به دوش کشید و توانست با ظرفیت بالای خود در جهت بسیج مردمی ثبات و پایداری و مقاومت را در برابر دشمنان به ارمغان بیاورد. پس از جنگ تحمیلی اگرچه در برهه‌ای (نیمه دوم دهه هفتاد تا اوایل ۱۳۸۴) ما شاهد افول و منزوی شدن هیأت‌های انقلابی بودیم، اما از سال ۱۳۸۴ دوباره شاهد تحول و ظهور نوعی انقلابی، اما عامه‌پسند از هیأت‌های مذهبی بودیم که توانست با جلوگیری از اشتباهات و کاهش انتقادات قبلی، بر توان و ظرفیت اجتماعی خود بیافزاید و خود را به عنوان نوع بی‌بدیل هیأت‌های مذهبی بشناساند. هیأت‌های عامه‌پسند انقلابی اگرچه از سوی رقیبان خویش مورد نقد قرار می‌گیرند اما به لحاظ کارکرد سیاسی توانستند مدلی از یک هیأت مذهبی را ارائه دهند که می‌تواند در برابر بحران‌های سیاسی دارای کارکرد سیاسی تأثیر گذاری در سطح جامعه باشد.

## منابع

- آقابخشی، علی. (۱۳۸۷) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
- الگار، حامد. (۱۳۵۸) «نقش ستهنده علماء در تاریخ معاصر ایران»، ترجمه یعقوب آژند، فلق، دفتر سوم.
- امین، سیدحسن. (۱۳۷۴) «وعظ و خطابه در عصر قاجار»، مجله میراث جاویدان، شماره ۱۲-۱۱.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۵) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی، تهران: کیهان.
- بکتاش، مایکل و غفاری، فرح. (۱۳۵۰) «تأثیر ایرانی (سه مجلس تعزیه)»، تهران: انتشارات سازمان جشن هنر.

- بهار، مهری. (۱۳۸۲) «نقش و جایگاه زنان در مراسم عزاداری - تغییر از حاشیه‌ای به مرکزی»، فصلنامه پژوهش زنان، شماره ۱۵.
- ----- (۱۳۸۳) «نذر و هویت اجتماعی زنان»، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۰) تعزیه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
- پناهی، محمدحسین. (۱۳۸۵) «ارزش‌های جهاد و شهادت در شعارهای انقلاب اسلامی»، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۹.
- ----- (۱۳۸۹) «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران براساس شعارهای انقلاب»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۱ و ۱۲.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۰) تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، (سه جلدی)، قم: انصاریان.
- ----- (۱۳۸۱) تأملی در نهضت عاشورا، قم: انصاریان.
- حسام‌مظاهری، محسن. (۱۳۸۹) رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ سوم.
- حسینی، حسین. (۱۳۸۸) رهبری و انقلاب: نقش امام خمینی در انقلاب اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی
- ----- (۱۳۸۲) «اسطوره و رهبری کاریزمایی»، در ایدئولوژی، رهبری و انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، جلد اول.
- حسینی‌زاده، محمدعلی. (۱۳۸۶) اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- حیدرزاده، زهرا. (۱۳۷۸) مونوگرافی کارکردهای اجتماعی مجالس مذهبی زنانه در تهران، تهران: معاونت پژوهش و آموزش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ----- (۱۳۸۰) «نقش هیأت‌های مذهبی در روند توسعه»، در مجموعه مقالات جامعه و فرهنگ، تهران: انتشارات آروان.
- دفتر کل آمار و مهندسی. (۱۳۵۴) آمار مساجد و اماکن متبرکه استان‌ها، تهران: گزارش داخلی سازمان اوقاف.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۷) توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روزن، باری. (۱۳۷۹) انقلاب ایران: ایدئولوژی و نمادپردازی، ترجمه سیاوش مریدی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۰) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰) عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس: فرهنگ عاشورا، قم: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران.
- ----- (۱۳۸۱) پیوند دو فرهنگ (عاشورا و دفاع مقدس)، قم: یاقوت.
- شادی‌طلب، ژاله و کتابی، محمود. (۱۳۸۲) «مشارکت اجتماعی زنان» مجله پژوهش زنان، شماره ۷.

- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۰) دین، جامعه، عرفی‌شدن، تهران: نشر مرکز.
- شریعتی، علی. (۱۳۸۲) تشیع علوی و تشیع صفوی (مجموعه آثار ۹)، تهران: چاپخش.
- فهیمی، سیدمهدی. (۱۳۷۰ الف) فرهنگ جبهه‌شعارها و رجزها، تهران: معاونت فرهنگی تبلیغاتی جنگ ستاد فرماندهی کل قوا.
- ----- (۱۳۷۰). فرهنگ جبهه: نام‌ها و نشانی‌ها، تهران: معاونت فرهنگی تبلیغاتی جنگ ستاد فرماندهی کل قوا.
- فیاض، ابراهیم و کاظمی، عباس و دستوری، مژگان. (۱۳۸۸) «گونه‌شناسی هیأت‌های مذهبی زنانه در تهران»، فصلنامه نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۶.
- کاستللو، وینست فرانسیس. (۱۳۷۱) شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، تهران: نشر نی.
- کاظمی پوران، محمد. (۱۳۸۰) قیام‌های شیعه در عصر عباسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- کسروی، احمد. (۱۳۸۲) تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه معاصر.
- ماشینی، فریده. (۱۳۸۴) «تأثیر جلسات مذهبی زنانه بر کیفیت زندگی زنان شرکت‌کننده از منظر خود زنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته مطالعات زنان، دانشگاه علامه طباطبایی.
- محدثی، جواد. (۱۳۸۱) فرهنگ عاشورا، قم: معروف.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۸۴) شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوران قاجاریه، تهران: زوار.
- ناظم‌الاسلام کرمانی، محمد. (۱۳۶۲) تاریخ بیداری ایرانیان، دو بخش، تهران: آگاه و نوین.
- همایونی، صادق. (۱۳۶۸) تعزیه در ایران، شیراز: نشر نوید.

- Amir Arjomand, Saeid (1988). *The Turban For To Crown: The Islamic Revolution In Iran*, New York; Oxford University press.

- Tilly, charls (1978). *From Mobilization to Revolution*, Adison-wesley Publishing Co., London